

۱۳۹۱/۱۲/۱۳
حضرت زینب (س)

صبر و قنوت از ایوب (ع)

تألیف گردآوری

مهدی تقوی و امینی

سید شمس الدین اطهاری



انتشارات آوای نور

تهران - ۱۳۹۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه	تقوی ملانی، مهدی، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور	حضرت زینب (س) صبورتر از ایوب (ع) / تالیف و گردآوری مهدی تقوی ملانی، سیدشمس الدین اطهاری.
مشخصات نشر	تهران: آوای نور، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۱۵۲ص.
شابک	978-600-309-169-6
وضعیت فهرست‌بندی	فبا
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	زینب (س) بنت علی (ع)، ۶ - ۶۲ق. / واقعه کربلا، اق.
موضوع	زینب (س) بنت علی (ع)، ۶ - ۶۲ق. -- سرگذشتنامه
شناسه افزوده	اطهاری، سیدشمس الدین، ۱۳۶۳ - اطهاری، سیدشمس الدین، ۱۳۶۳ ابان -
رده بندی کنگره	BP ۱۳۹۴: ۷۹/۹
رده بندی دیویی	۹۷۴/۱۱۱
شماره کتابشناسی ملی	۴۰۱۶۸۵



حضرت زینب (س) صبورتر از ایوب (ع)

تالیف: مهدی تقوی ملانی - سید شمس الدین اطهاری

ناشر: انتشارات آوای نور

صفحه آرا: منیرالسادات حسینی

چاپ اول ۱۳۹۴

تیراژ: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۱۶۹-۶

تهران: خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری - پلاک ۹۹

تلفن: ۶ - ۶۶۹۶۷۳۵۵ / نمابر: ۶۶۴۸۰۸۸۲

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

قیمت ۷۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
فصل ۱: مقدمه.....	۷
فصل ۲: ویژگی ممتاز بانو.....	۱۵
فصل ۳: زناقی، امه حضرت زینب.....	۲۳
فصل ۴: از ۱۰۰ حضرت زینب.....	۳۷
فصل ۵: شخصیت حضرت زینب.....	۴۷
فصل ۶: پیشگویی علی (ع).....	۵۹
فصل ۷: رویای صادقانه بانو.....	۶۵
فصل ۸: علاقه بانو به برادر.....	۷۱
فصل ۹: عاشورا پروری.....	۷۹
فصل ۱۰: صبر.....	۸۷
فصل ۱۱: عاشورای حسینی.....	۹۵
فصل ۱۲: خطابه.....	۱۱۱
فصل ۱۳: انتقال پیام عاشورا.....	۱۲۱
سخن آخر.....	۱۴۵
فهرست منابع و مآخذ.....	۱۴۷

پیشینه

ای رمین می‌دانم با کسی از مصائب روزگار شکوه نکرده‌ای و به مشیت حق راضی بوده‌ای بر سختی‌ها و مصیبت‌ها دندان به جگر گرفته‌ای، می‌دانم به کسی نگفته‌ای وقتی مردان و زنان باایمان در درونت آسایش می‌گرفتند چنان می‌گریستی که فرشتگان مقرب سنگ صبور تو می‌شدند و شکیبایی‌ات می‌دادند، می‌دانم به فرمان خداوند، آن هستی بخش یگانه، هر داغی را به خون خریدی و شکوه‌ای نکردی و همه دشواری‌ها را ناچیز انگاشتی اما می‌دانم بر مرگ خاندان نبوت (ع) چنان بی‌طاقت شدی که اگر حول و قوه الهی نبود از هم می‌پاشیدی. یادت هست زمانی که خاتم انبیا را در درونت بجای می‌دادند چنان فریاد می‌کردی که پرندگان آسمان بر احوالت گریستند. یادت هست زمانی که مولا (ع) می‌خواست در آن دل شب فاطمه اش را در آغوش دهد نالیدی و التماس کردی که توان نداری این همه بار امانت را بباری اما خواست خداوند این بود و به ناچار زبان به کام گرفتی. یادت هست زمانی که می‌خواستند فرق شکافته اولین امام عالم علی (ع) را به خاک تو بپوشانند چنان متحیر و مضطرب گردیدی که نزدیک بود با ستارگان دیگر برخورد کنی و برای همیشه نابود شوی. به یاد داری زمانی را که مردان بنی هاشم، محزون و غمگین، آماده می‌شدند امام مجتبی را در

دست های تو بگذارند، تو چنان آشفته و پریشان خاطر شدی که لرزیدی که اگر کوه‌ها به فرمان خداوند به یاری‌ات نمی شتافتند هم‌زانو و هم‌قدم نیستی می‌شد.

ولی می‌خواهم بگویم دردناک‌ترین و غم‌انگیزترین حادثه‌ای که تو دیدی، حماسه عاشورا بود، حماسه‌ای که بهترین و پاک‌ترین بندگان خدا برای صیقل دادن آئینه‌ی دین از زنگار بدعت‌ها و به اهتزاز درآوردن پرچم اسلام به محمدی با پست‌ترین انسان‌ها جنگیدند و شهادت را بر ذلت ترجیح دادند. یک یک آنان را بوسیدی و چون گنجینه‌ای نهان کردی. تو همه این سخنها و نامرادی‌ها را به دوش کشیدی اما اگر تاب بیاوری و صبور باشی باید بدانی شوم برای تو تلخ‌تر از شهادت حسین، احوال زینب بود، چون در دین این خواهر داغ‌دیده را با دشنام‌ها و هتک حرمت‌ها آزرده و رنجور می‌سازند. رخم دلش را نمک می‌پاشند. تو می‌دیدی آن عزیز در برابر شلاق آن نام‌دان عالم ایستادگی می‌کرد تا مبادا یتیمان برادر درد بی‌پدری را احساس کنند. تو چنان خشمگین شدی که اگر فرمان الهی نبود همه آن گرگ‌صفتان را می‌کشتی. در آخر می‌خواهم برای این که در غمت شریک باشم و آرام بگیرم به زینب (س) را چکیده وار در گوشت زمزمه کنم.